

# ایران - انگلیس

## قراردنامه در باب هرات

پانزدهم ربیع الثانی ۱۲۶۹ ه.ق / بیست و پنجم ژانویه ۱۸۵۳ م.

درآمد:

شکست‌های ایران از روسیه و انعقاد معاهدات گلستان و ترکمانچای، و به دنبال آن نفوذ سیاسی روس در دربار ایران، باعث بروز نگرانی و تشویش در دل سردمداران دولت انگلیس و حکومت هند گردید، لذا لازم بود هر چه زودتر افغانستان به صورت حایل و جد فاصل و حریم امنیت هندوستان درآید.

در کلیه پیمان‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۴ میان دولتین ایران و انگلستان منعقد گردیده، انگلیسیها همواره هرات را جزو لاینفک ایران شناخته‌اند. اما همین که ناپلئون در اروپا شکست خورد و انگلیس توانست پس از بیست سال نفس راحتی بکشد سیاست خود را تغییر داده تصمیم گرفت هرات و بلوچستان را از ایران جدا سازد و حریم امنیت جدیدی برای هندوستان به وجود آورد و به منظور اجرای این سیاست، شروع به تحریک و اغوای افغانها علیه ایران نمود. اشتشاش و شورش قبایل افغان به تحریک انگلیس، به دلیل درگیری فتحعلی شاه در جنگ ایران و روس بی‌جواب مانده بود. همین که دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه به پایان رسید فتحعلی شاه متوجه شورش ایالات شرقی شد و در سال ۱۲۴۷ ق. / ۱۸۳۱ م. عباس میرزا مأمور سرکوب یاغیان گردید. وی توانست تا ۱۲۴۹ ق. / ۱۸۳۳ م. خراسان و سیستان و بلوچستان را آرام کند، ولی چون کامران میرزا، امیر هرات از پرداخت خراج سالانه و اطاعت از دولت ایران خودداری کرد، عباس میرزا پسر خود محمد میرزا را مأمور محاصره هرات کرد. در اثر پشتکار محمد میرزا کار تصرف هرات نزدیک بود پایان یابد که خبر مرگ ناگهانی عباس میرزا و فرمان معاودت محمد میرزا از طرف فتحعلی شاه مانع یکسره شدن کار هرات گردید.

تضییع هرات با مرگ فتحعلی شاه خاتمه نیافت. سیمونیچ<sup>۳</sup> وزیرمختار روس، محمدشاه را به محاصره هرات تشویق کرد (۱۲۵۳/۱۸۳۷) ولی محاصره هرات به دلیل تحریمات و کارشکنیهای مک‌نیل، وزیر مختار انگلیس و به دنبال آن اولتیماتوم دولت انگلیس مبنی براین که اگر دولت ایران دست از محاصره هرات بردارد دولت انگلیس وارد جنگ خواهد شد، دست از محاصره هرات برداشت (سپتامبر ۱۸۳۸). پس از رفع خطر از هرات، انگلیس قراردادی با کامران میرزا منعقد کرده و حکومت وی را طبق همین قرار داد به رسمیت شناخت (جمادی‌الآخر ۱۲۵۵ / اوت ۱۸۳۹).

ظاهراً مسئله هرات بین ایران و انگلیس حل شده بود تا اینکه یار محمدخان امیر هرات می‌میرد و پسرش صید محمدخان به جای او می‌نشیند (۱۲۶۸ق. / ۱۸۵۱م). حمایت ناصرالدین شاه از صیدمحمدخان و اطاعت و فرمانبرداری وی از دربار ایران، دولت انگلیس را در مورد سرنوشت هرات بیمناک می‌کند، لذا به دلیل اینکه منافع خویش را در هندوستان حفظ کند، به سرجان مک‌نیل کاردار خویش در تهران دستور انعقاد قراردادی با دولت ایران را صادر می‌کند تا به کلی دست و پالی ایران از هرات قطع شود.

مهدی بامداد در جلد چهارم شرح حال رجال ایران، ضمن شرح حال میرزا آقاخان نوری می‌نویسد: پس از کشته شدن میرزاتقی‌خان امیرکبیر و روی کار آمدن میرزا آقاخان نوری به وسیله بیگانگان، اول کاری که در سال ۱۲۶۹ قمری / ۱۸۵۳ میلادی به نفع دولت انگلستان و به ضرر ایران کرد و میرزا تقی‌خان در موقع صدارت خویش به هیچ وجه زیر این قبیل خیانت‌های بئین نمی‌رفت، قرارداد و مقوله نامه منحوسی در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ قمری با نایب سرهنگ بوستین شیل Justin Sheil مأمور فوق‌العاده و وزیر مختار پادشاهی انگلستان در دربار ایران بست و قبول کرد که دولت ایران از حق تشوونکشی به هرات [= یکی از چهار شهر خراسان] ممنوع باشد...<sup>۴</sup>

به مراحل در اثر فشار انگلیس و اصرار میرزا آقاخان نوری، ناصرالدین شاه سندی را امضا کرد که به موجب آن، دولت ایران متعهد می‌شد فقط در صورتی که نیروهایی از قندهار و کابل و یا نقاط دیگر به هرات تجاوز کنند تشوونی برای دفاع از آن شهر بفرستد و پس از دفع دشمن و ختم

## 2. Simonich .

۳. در همین وقت ناوگان انگلستان مرکب از پنج فروند کشتی جنگی به فرماندهی دریادار سرفردریک مینلد Sir Frederick Meitland وارد آب‌های ساحلی ایران شده و جزیره خارک را تصرف نمودند.

۴. به موجب فصل دهم عهدنامه ترکمانچای، روس‌ها می‌توانستند در هر کجای ایران که دلشان می‌خواست قونسول تعیین کنند، و به همین دلیل انگلیس مایل نبود ایران هرات را در اختیار داشته باشد، چسراکه تصرف هرات مقدمه تصرف تمامی افغانستان بود، و این کار به روس این امکان را می‌داد که در آن حدود دخالت کند.

۵. از افسران انگلیسی و معلم سهایان ایران بود، او یکی از توطئه‌گران برضد امیرکبیر بود.

۶. به قول محمود - محمود، میرزا آقاخان قباله هرات را - که انگلیس دروازه هندوستانش می‌نامید - به نام انگلیسی‌ها سجل کرد و واگذار نمود.

خایله، نیروی اعزامی مراجعت کند و در مقابل، دولت انگلیس هم متعهد می‌شد که در امور داخله هرات به هیچ وجه دخالت ننماید و در صورت مداخله دولت انگلیس در امور هرات، این سند باطل خواهد شد.<sup>۷</sup>

نمی‌توان پنداشت که میرزا آقاخان نوری آن قدر نادان و احمق بود که ارزش شهره هرات را در نرد سیاست روز نمی‌دانست و یا از خیانت خود آگاه نبود. شاید به قول دکتر ابوالقاسم طاهری، آیا وی در تنگنایی بود که به حکم ضرورت می‌بایست پاداش زحمات دو وزیر مختار انگلیس: فوانت و شیل را پردازد؟<sup>۸</sup>

سندی که نوری تحویل شیل داد و ریشه اختلاف‌های بعدی میان دو دولت ایران و انگلیس شد متضمن شش تعهد بود. طبق مفاد این شش فقره، علاوه بر اینکه حدود دخالت ایران در فرستادن نیروی نظامی برای حفظ استقلال هرات در برابر متجاوزان احتمالی مشخص و معین می‌شد، دولت ایران تعهد می‌کرد که نماینده سیاسی دایمی در هرات نگاه ندارد و حکمران هرات نیز از آن پس نماینده‌ای در تهران نداشته باشد. غیر از اینها، دولت ایران بدون قید و شرط تعهد می‌کرد که کلیه امیران هرات را که در ایران محبوس بودند، آزاد کند و بعد از این به هیچ عنوان اشخاص مغنون به مخالفت با صید محمدخان را امان ندهد.

۷. در مورد مسأله هرات رک: اتحادیه، مقابله دوم و سوم و پنجم؛ نیز رک: توکلی ۴۰ به بعد؛ نیز رک: مخزن الوقایع، مقدمه؛ نیز رک: مهمید ۱۸۳ به بعد.  
۸. طاهری ۳۲۴/۲.

## قرارنامه دولت علیّه ایران با عالی جاه فطانت همراه شیل صاحب [۱] وزیر مختار انگلیس در باب هرات.

دولت ایران قرار می دهد که وجهاً من الوجوه قشون به خاک هرات نفرستد، مگر در وقتی که قشون از خارج بر سر هرات بیاید، یعنی از سمت کابل و قندهار و خارج دیگر، و در صورت فرستادن قشون در آن حالت، دولت ایران تعهد می کند که قشون مزبور داخل شهر هرات نشود و به محض مراجعت قشون خارج رو به خاک خود، فوراً بلا تأمل قشون ایران مراجعت به خاک ایران نماید.

نیز دولت ایران قرار می دهد که وجهاً من الوجوه مداخله در امورات داخله هرات ننماید، همچنین از تصرف یا تصاحب یا تملک یا حکومتی، مگر همان قدر که در ایام ظهیرالدوله یار محمدخان مرحوم مداخله فیما بین بود، عملاً بعد نیز کمافی السابق برقرار باشد، بنابراین دولت علیّه ایران قرار می دهد که نوشته [ای] مبنی و مشتمل بر این مضامین خطاب به صید محمدخان نوشته به اتفاق آدمی که از سفارت انگلیس که در مشهد باشد به معزی الیه داده شود.

نیز دولت ایران قرار می دهد که ترک کند ادعای مطالبه سکه و خطبه و یا هرگونه علامتی که از علامات رعیتی یا از حکومت ایرانی بودن اهالی هرات باشد، اما اگر به مثل زمان شاه، کامران میرزا و مرحوم یار محمدخان ظهیرالدوله، از برای پیشکشی به میل خود وجهی بفرستند و به اسم همایون سکه کنند دولت ایران را حرفی نیست و قبول خواهند کرد و همین قرار را هم فوراً به صید محمدخان اعلام خواهند کرد.

نیز قرار می دهد که عباسقلی خان پسیان را چهار ماه بعد از ورود او به هرات احضار کند که نتواند در آنجا بطور دائمی اقامت نماید و بعد هم وکیل مقیم در هرات نگذارد، مگر به مثل ایام یار محمدخان آمد و رفت داشته باشد و هم از هرات وکیل مقیم در

ایران نگاه ندارند. باز مثل عهد کامران و یار محمدخان از هرگونه مراوده و امتیازات که از جمله آن اگر یک وقتی از برای تنبیه ترکمان و اغتشاش و یاغیگری در ممالک ایران امدادی لازم شود که هراتی به دولت ایران نماید، چنانچه یار محمدخان مرحوم کرد، باز کمافی السابق به میل و رضای خود امداد بدهند، ولی نه به طور اقامت.

و نیز دولت ایران قرار می‌دهد که بدون شرط و بدون استثنا جمیع خوانین هراتی را که در مشهد یا در طهران و یا در جای دیگر ایران هستند مستخلص و مطلق العنان سازد و من بعد به هیچ وجه مقصر و محبوس و شخص مخالف صید محمدخان قبول نکند، مگر اشخاصی را که صید محمدخان خود از هرات بیرون بکند و آن اشخاص به میل خود به این جا بیایند و بخواهند بمانند و نوکر شوند، مثل سابق [باید] مورد عنایات و محبت شوند و همین قرارها را فوراً حکم صریح به شاهزاده حاکم خراسان صادر می‌کنند که جاری سازد.

این قرارهای سنه [۲] مسطوره از جانب دولت ایران تا حینی معمول و برقرار است که حقوقاتی که دولت ایران در هرات دارد و محض دوستی و رضاجویی و یکجتهی با دولت انگلیس این تعهدات را نموده‌اند، مشروط بر این که از طرف دولت انگلیس مراوده و مداخله و جهاً من الوجوه در امور داخله هرات و توابع هرات نشود و الا این قرارها ننوشته و کان لم یکن و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

و اگر [یک دولت] خارجی از قبیل افغان و غیره خواسته باشد مداخله و دست‌اندازی به خاک هرات و متعلقان آن نماید، اولیای دولت ایران از دولت انگلیس خواهش نماید که دولت انگلیس در ممانعت و نصیحت دوستانه آنها کوتاهی ننماید تا هرات به حالت استقلال خود باقی و از تجاوز مصون بماند.

تحریراً فی پانزدهم شهر ربیع الثانی سنه یک هزار و دوست و شصت و نه هجری

[۳].

هو

#### سواد دستخط همایونی:

این سواد صحیح است و مطابق اصل و به فرمایش ماست که جناب صدراعظم اصل را مهر کرده و به سفارت انگلیس داده‌اند، [شانزدهم] ۱۶ شهر ربیع الثانی سنه [یک هزار و دوست و شصت و نه] ۱۲۶۹ سچقان نیل.

محل مهر الهمایونی

## توضیحات قرارنامه هرات

۱) شیل Sheil کنل (سرهنگ) جستن شیل از جمله ۲۴ تن از افسر انگلیسی است که در اواخر سلطنت فتح‌الملی شاه ۱۲۴۹ق. / ۱۸۳۴م. برای تعلیم ارتش ایران، مخصوصاً سربازان آذربایجان، استخدام شده و به ایران وارد شدند و دولت انگلستان آنان را از افسران انگلیسی که در هندوستان اشتغال به خدمت داشتند گزیده و به ایران فرستاد... شیل تا سال ۱۲۵۳ قمری در ایران بود و چون لشکرکشی محمد شاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان صورت گرفته بود، اکثر افسران انگلیسی از ایران خارج شدند و یا به خدمت آنان خاتمه داده شد و... تا سال ۱۲۷۰ قمری وزیر مختار انگلیس در ایران بود و او است که با وسایلی که در دست داشت اسباب عزل و قتل امیرکبیر را فراهم آورد.<sup>۱</sup> زن جستن شیل کتابی در مورد اوضاع ایران نوشته است.

صاحب: صاحب عنوانی است که در ممالک اطراف ایران ابتدا به انگلیسیان معنون و سپس به همه خارجیان می‌دادند.<sup>۲</sup> این کلمه در هندوستان بعنوان تعارف و ادب از طرف عاقله مردم نسبت به بزرگان ابراز می‌شده و بعد از آنکه انگلیسیها به این سرزمین راه یافتند به آنان نیز صاحب اطلاق شد.

(۲) بیسته: ششگانه.

(۳) یک روز بعد از انعقاد چنین قرارداد ننگین که... انگلیس بعدها یک چنین سند خائنانه را بجای یک سند معتبر دولتی معرفی نموده و مانند سنگ آسیایی به سر و مغز دولت ایران زد...<sup>۳</sup> میرزا آقاخان جهت تکمیل خوش خدمتی خویش به ارباب اروپایی اش نامه‌ای حاکی از دلجویی به صید محمدخان حاکم هرات می‌نویسد و همراه فرمان ناصرالدین شاه (۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ق / ۲۹ ژانویه ۱۸۵۳م) به حاکم هرات، مبنی بر ابلاغ و اطلاع مراجع و الطاف سلطانی،<sup>۴</sup> تسلیم کنل شیل نماینده سیاسی دولت انگلیس در تهران می‌کند. شیل خود نیز کاغذی نوشته به ضمیمه آن دو نامه توسط عمال خود به صید محمدخان می‌فرستد.<sup>۴</sup>

۱. محمود، ۴ / ۳۶۷.

۲. معین.

۳. محمود، ۲ / ۶۵۱.

۴. جهت مطالعه متن این سه نامه رک: محمود ۲ / ۶۵۲ به بعد.

گردآورنده:  
شاهین کاویانی

